

ده هشتادیا» اثر جدید موسسه ما وارا بررسی کرده ایم

انفجار صوتی-تصویری!



مدت کوتاهی از جنجالی شدن یک مداحی در مورد شخصیت حضرت قاسم (ع) می گذرد، بازی می کنه»، خب، البته طرفداران این نگاه حرف شان این است که دارند تلاش می کنند ارائه دهند که مورد پسند و فهم این نوجوان ها باشد. چیزی که در موزیک ویدئوی دهه آن قدر ارزشمند دانست که فارغ از موفقیت اثر یا عدم موفقیت آن یک دست مریزاد به د کسانی که موضوع نسل جدید و دهه هشتادی ها و خلاصه نوجوان ها برایشان اهمیت بریچ و خم بردارند، روز به روز بیشتر شود. اما بد نیست با هم نقاط قوت و ضعف کار را

مشت شان نمونه خروار نیست، یعنی رفته اند سراغ قشر ۴ درصدی و هیچ اثری از یک نوجوان پایین شهری، یک نوجوان شهرستانی، حتی یک نوجوان با ظاهری متفاوت از بقیه جمع وجود ندارد، (یادتان نرود اسم اثر دهه هشتادیاست!) حالا این وسط یک ویژگی نسل جدید بیشتر از هر چیزی خودش را به رخ می کشد، این که دوست دارند دیده شوند، خیلی رک اول ماجرا هم دارند درباره اش حرف می زند که خدا کند کارمان را ببیند و یک بار به جای این که به ما بگویند گودزیلا یا مسخره مان کنند، به ما اهمیت بدهند، تا اینجا کار شاید عیبی نداشته باشد و به حق، قرار است با ویژگی های این قشر آشنا شویم ولی دو اتفاق بد در حاشیه این تصمیم درست افتاده که در ادامه به آن اشاره می کنم.

دند

ش و گفتگو به این خروجی

سب ریتیم و فرم با محتوای کار

کسی که این اثر را دوست من حق را نمی دهم که به ن مشکلی ندارم که بگویند ست، بله خب! همینطور ق نویی را رقم می زند. دهه دی هایی که دارند اثر را نقد مدل نگاهشان به جهان و

مدل عزاداری شان شبیه دهه پنجاهی ها و دهه چهلی ها بوده که حالا این تفاوت ها را در دهه هشتادی ها درک نمی کنند؟ البته من نماینده همه نوجوان ها نیستم. واقعا چندین تیم باید در این حوزه نیازسنجی کنند تا بشود در این حوزه کار کرد. این کار با ادبیات شما دهه شصتی ها متفاوت است؟ خب بله، مگر ادبیات شما با ادبیات پدران شما یکسان است؟ یک گروه میلیونی در این کشور به نام دهه هشتادی عرق دارند به جریان ابا عبا... اما به مدل خودشان. ما باید این تفاوت ها را بپذیریم.

نقد هایی که در این مدت شنیدید، خودتان فکر می کنید چقدر صادقانه بود؟

می دانستیم این کار بحث برانگیز می شود اما فکر نمی کردم این قدر زیاد، اما یک برکت داشت و آن این بود که بالاخره یک عده دارند در مورد دهه هشتادی ها

یک چیزی در دین داریم به اسم «شعائر»، مثلاً نکه داشتن حرمت اهل بیت جزو همین شعائر

است، اصلاً ترسی هم نداریم که گاهی این اعتقادات مان را شعارگونه فریاد بزنیم، همیشه که شعار دادن چیز بدی نیست، بی انصافی نکنیم، این اثر تمام تلاشش را کرده که حرمت نکه دارد، از ریتیم ابتدای کار که تا حدودی مناسب فضای شاد است که بگذریم، ارادت شخص علیرام نورایی به امام حسین (ع) و سپس حضور دو مداح مخلص و شدیداً محترم که مورد پسند نوجوان های امروز هم هستند و عرض ارادت ایشان، فضا را کاملاً می شکنند و در رفتار نوجوان ها هم این پاسداشت حرمت را می بینیم، از طرفی اصلاً امام حسین (ع) یک جوری است که همه را در دم و دستگاهش راه می دهد و من یکی می دانم که خلوص نیت تولیدکنندگان را می بینند و به ویژه نوجوان هایی که در این اثر نقش داشته اند را می خرد، پس نقد های غیرمنصفانه که نگران فرورختن حرمت امام حسین (ع) را داشتند کاری نداریم و می گویم امام حسین قرن هاست بلد است نهضتش را حفظ کند. اما خدایی چه کسی از حرمت دهه هشتادی ها دفاع کند؟ چه کسی بگوید که دهه هشتادی ها فقط همین یک عده ای که شما شناختید نیستند؟ چه کسی بگوید نوجوان ها فرق میلاد امام حسین و شهادتش را متوجه اند؟ چه کسی صدای پسر بوشهری را که دهه محرم حتی در شرایط کرونا به هیات رفت به گوش تان برساند؟ چه کسی حرف دل دختر مشهدی را که دوست ندارد اشک هایش را توی حرم امام رضا (ع) کسی ببیند، بشنود؟ چه کسی صدای نسل جدید را می شنود که این چهره کاملی از دهه هشتادی ها نبوده، اما به اسم همه آنها تمام شد.



یک پیام زیبا در شعر نهفته است که حسابی حال آدم را خوب می کند، اصلاً من یکی که

معتقدم اگر زلف دلی با این اثر گره بخورد، نقش این مفهوم است که کار خودش را کرده؛ عبارت «سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم»، حالا نسل جدید دارد این نکته را با زبان امروزی خودش می گوید، این که حسین جان! صفحه دشمنانت را بلاک می کنم و باور کن که با همه سوتی ها و خلاصه کم و کاستی هایم باز هم دوستت دارم.

گرچه خودمانیم؛ اصولاً این گونه لحن ها را ما حتی اگر با خدا و اهل بیت داشته باشیم؛ در خلوت مان داریم یا در فضای عمومی فریادشان می زنیم؟! یعنی فقط یک دهه هشتادی این را متوجه نیست که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد؟! یعنی شناخت ما از نسل جدید این است؟ این همه نیاز به دیده شدن آن هم به هر قیمتی، توصیفی است که ما باید از نسل جدید داشته باشیم؟ و یک کلمه هم نشنویم که خدا کند خود آقا کارمان را ببیند، بلکه همه فکر و ذکر بچه ها این باشد که سلبریتی ها و بزرگ ترها ببینندشان؟! قضاوت با خود شما دهه هشتادی ها.

اول این که پاسخ به این نیاز طبیعی نسل جدید که البته همیشه در میان نوجوان ها

وجود داشته ولی برای این نسل پررنگ تر شده، چیست؟ حضور یک سلبریتی که بیاید و کار آنها را در یک لایو نشان دهد، از نوع حضور بی مقدمه علیرام نورایی در جمع بچه ها و این که چرا کنار گیم نت باید یک اتاق گرم وجود داشته باشد که بگذریم؛ این که هدف بچه ها دیده شدن است کمی کار را خراب می کند، به خصوص وقتی پای امام حسین (ع) وسط باشد، ساده اش این می شود که تولیدکنندگان گویی معتقدند هدف وسیله را توجیه می کند. یعنی نوجوان اگر موسیقی طرب انگیز با پیام های سخیف ساسی مانکن را دسته جمعی بخواند، ما یک جای راه را اشتباه رفته ایم و باید فکری کرد، اما همان طرب و شور و تلاش برای دیده شدن اگر در مسیر دیگری قرار گرفت ایرادی ندارد، اصلاً یک سؤال که خودتان جوابش را خوب می دانید، چقدر در این کار علیرام نورایی و رضا هلالی و پویانفر دیده می شوند و چقدر امام حسین (ع)؟!

حرف می زنند و آنها دیده شده اند، این بحث ها اصلاً تا قبل از این اثر مطرح نبود، نخبگان دارند این اثر را می بینند و در مورد این نسل حرف می زنند،

این نکته مثبتی است، خوشحالم که لااقل این اثر به اندازه کافی دیده شد.

اگر امروز می خواستید این اثر را تولید کنید چه تغییری می دادید؟

روی موسیقی و فیلمنامه بیشتر کار می کردم، اتصال مداحی ها به

موسیقی درنیامده است و

این درست است، حتما

موسیقی آقای هلالی

را تغییر می دادم، در

خصوص شعر، روی

مضا مینش بیشتر

تمرکز می کردیم اما

کلیت چیزی که تولید می کردم همین بود.

سخت ترین مرحله کار کجا بود؟

یکی هماهنگی سلبریتی ها و دیگری انتخاب شعر.

کار برای مخاطب نوجوان چه سختی هایی دارد؟

نوجوان نه کودک است نه بزرگسال است،

تولید اثر برای این قشر خیلی سخت

است، نیازسنجی نوجوان ها واقعا احتیاج

به پژوهشگر و ایده پرداز دارد، آشنایی

با دغدغه های این نسل کمی

دشوار است.

کلام آخر؟

ممنون که با این دست

مصاحبه ها باعث بیشتر

دیده شدن این اثر و دهه

هشتادی ها می شوید.



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۶۹ | ۱۸ شهریور ۱۴۰۰

نوجوان